

جنگ سالامیس

مایکل جیمسن

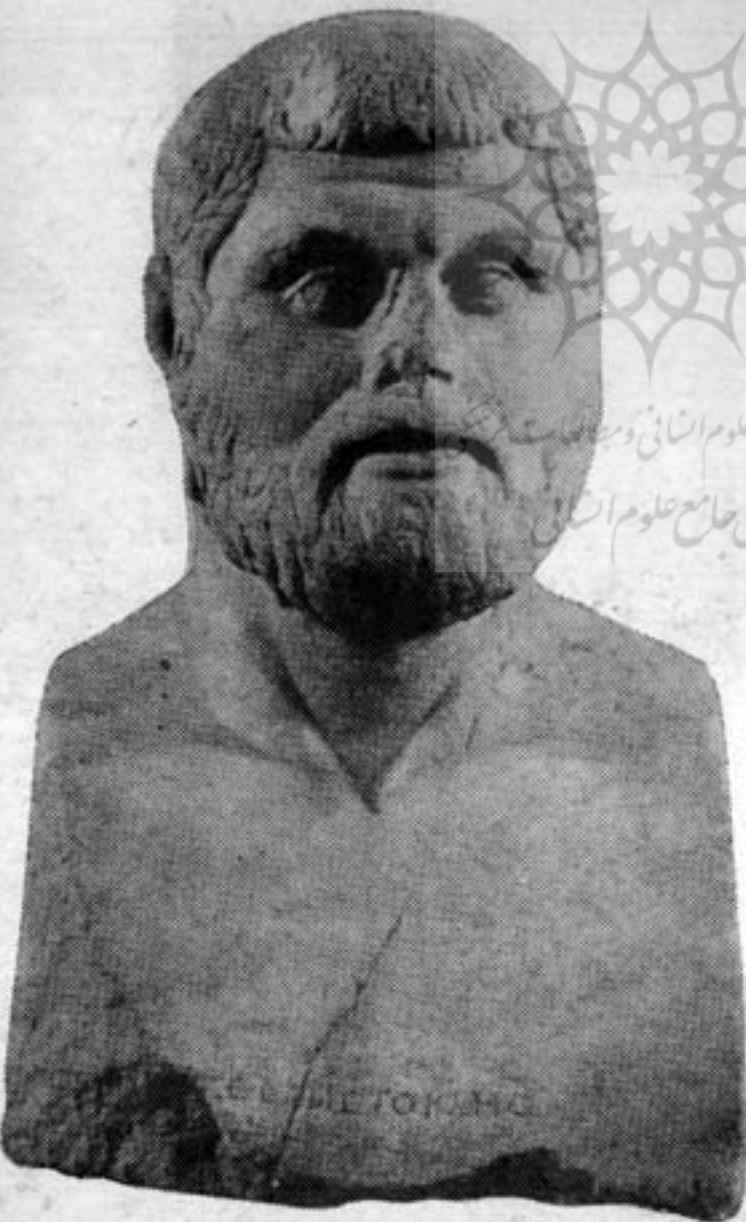
« مایکل جیمسن Michael H. Jameson » استاد علوم باستانی دانشگاه پنسیلوانیا و موزه دار این دانشگاه است. جیمسن در سال ۱۹۲۴ در لندن به دنیا آمد و قسمت عمده زندگی اش را در یکن گنراد. باستانشناسی و زبانهای کهن رشته تحصیلی او بوده و از دانشگاه شیکاگو درجه دکتری گرفته است. مقاله زهر که متکی به کشف کتیبه‌ای کهن است از شماره مارس ۱۹۶۱ مجله معروف Scientific American به فارسی در آمده است. درین مقاله چنانکه سنت محققان غربی است از یونانیان طرفداری شده است. اما چون سند تاریخی جدیدی در آن مورد بحث است و این سند مربوط به جنگی است که ایرانیان در آن شرکت داشته‌اند، ما می‌پنداریم که برای علاقمندان مفید باشد.

مجموعه تیسوکلس که در حدود ۴۷۰ پیش از میلاد ساخته شده است

با تعداد يك روزپائیزی سال ۴۸۰

پیش از میلاد « خشایارشا » پادشاه ایران فرمانروای شاهنشاهی بزرگی که از هندوستان تا دریای « اژه » کشیده می شد - ناوگان خود را که هزار کشتی جنگی بود، به تنگه‌ای میان جزیره « سالامیس Salamis » و کناره « آتیکا Attica » در یونان فرستاد. پادشاه ایران خود از دعاغه‌ای مرتفع که در نزدیکی شهر آتن قرار داشت و در همان روز به چنگ ایرانیان افتاده بود سیمد ناویونانی‌زایمی دید که برای مقابله با نیروی دریائی ایران آماده شده بودند.

« خشایارشا » از همین محل کشتی های خود را می‌نگریست که يك يك به این تنگه که بیش از يك کیلو متر و نیم پهنا نداشت وارد می شدند و پس از حمله‌ای کوچک به دست یونانیان می افتادند. تنها چند ناو ایرانی توانست مقاومتی کند و مدتی کوتاه در برابر دشمن بیاید، درین گیر و دار کوتاه چند کشتی محال یافتند که از تنگه بگذرند



اما کشتی‌های عقب‌دار، راه را بر اینان بستند و اسیرشان کردند. پیروزی یونانیان قطعی بود. خشایارشا فرمان بازگشت به بیشتر لشکریانش داد. بخشی از سپاه ایران در یونان ماند و زمستان را در آن کشور گذراند.



نمای کنونی تنگه سالامیس از جزیره سالامیس

سال بعد یونانیان که نیروی بیشتری یافته بودند با باقی مانده سپاه شاه ایران به جنگ پرداختند و پیروز شدند. بدین ترتیب لشکر کشی ایرانیان به یونان پایان یافت. نبرد «سالامیس» از وقایعی است که جریان تاریخ را تغییر داده است. پس از این جنگ یک قرن و نیم یونان استقلال خود را حفظ کرد و درین مدت ارزنده ترین و جاودان ترین سهم خود را به تمدن و فرهنگ مغرب زمین پرداخت. کسانی که این نقش ارزنده را به عهده داشتند همان مردانی بودند که در نبرد سالامیس شرکت کردند و ملوانان کشتی‌های این نبرد بودند. «آخیلوس Aeschylus» شاعر بزرگ یونانی با بهتر بگوئیم آتنی، که خود در نبرد سالامیس شرکت داشته است، صدای این مردم را چنین به گوش ما می‌رساند:

«ای پسران یونانیان، بیائید و سرزمین نیاکان خود را آزاد کنید. به فرزندان و زنانانتان آزادی بخشید. مقرر خدایانی که نیای شمایند و گور پدران خود را آزاد سازید، اکنون همه چیز باید به جنگ برخیزد.»

تا سال ۱۹۶۰ آنچه درباره این جنگ می‌دانستیم جز نوشته‌هایی که از مورخان باقی مانده بود چیز دیگری نبود، از وقایعی که سبب حمله ایرانیان شده بود، و پیروزی یونانیان اطلاع داشتیم، اما درین سال چگونگی جنگ یونانیان و آماده شدن

آنها برای نبرد با سپاه عظیم ایران بر ما معلوم گردید، می دانیم که جنگ سالامیس پس از شکست قوای زمینی دشمن به وقوع پیوست. اما تاکنون چنین می پنداشتیم که در آخرین لحظه های جنگ مردم آتن این شهر را از زنان و کودکان خالی کرده و با آرزوی بعید پیروزی در دریا، کشور را به سپاه ایران باز گذاشته بودند.

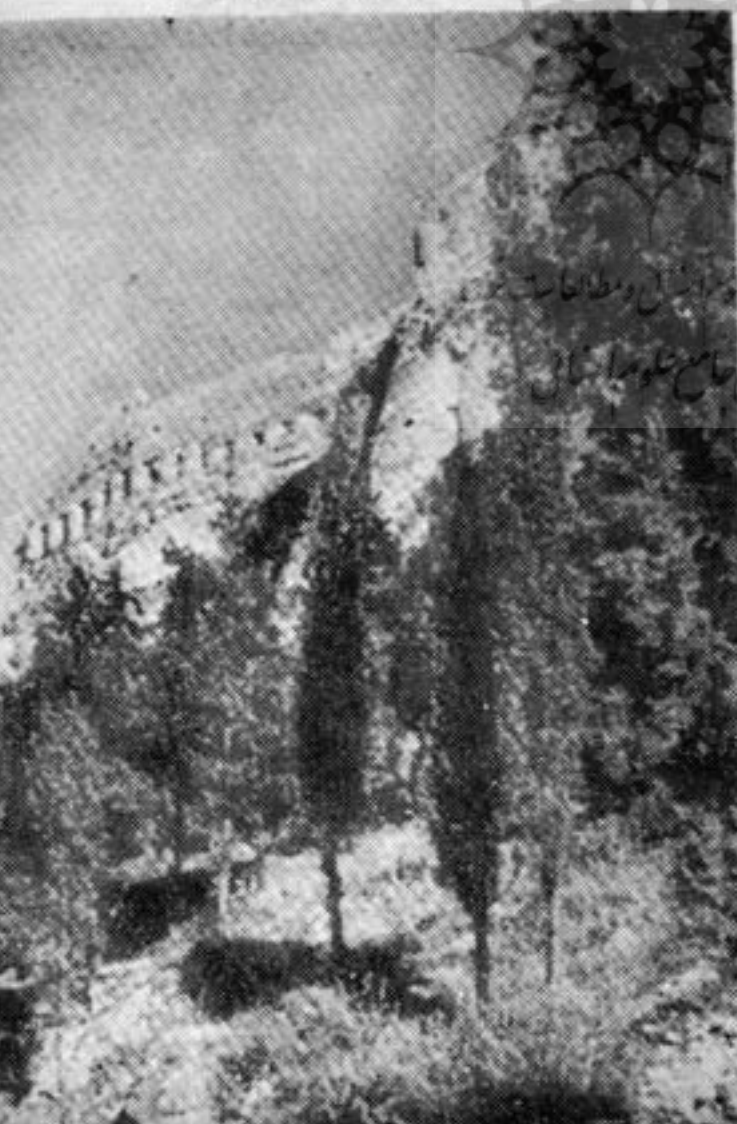
به جز چند بیت شعر یادگار، و نمایشنامه ای میهنی اثر «آخیلوس» به نام «ایرانیان» هیچ مدرک تاریخی دیگری که پیش از پنجاه سال بعد از جنگ سالامیس نوشته شده باشد در دست نبود.

اما تقریباً سی سال پیش کشاورزی از مردم «ترویزن Troizen» که قصبه ایست میان آتن و خلیج «سارونیک Saronic» کتیبه مرمری کوچکی از زیر خاک پیدا کرد. يك سوی این لوحه خطوطی نوشته شده بود، اما کشاورز بدان اهمیتی نداد و ازین کتیبه چندین سال به عنوان سنگ آستانه استفاده کرد، تا در سال ۱۹۵۹ یکی از معلمان شهر «پوروس Poros» که در نزدیکی همان ناحیه واقع است از وجود این کتیبه مطلع گردید. پس از مدتی مذاکره، مرد دهقان را قانع ساخت که این کتیبه را به گرد آورنده مجموعه ای از کتیبه ها و سکه ها و ظرفهای عتیق که همه از شهر «ترویزن» بدست آمده و در قهوه خانه ای به تماشای عموم گذاشته شده بود، اهدا کند. این کتیبه تا تابستان همان سال که من وزنم در جستجوی کتیبه و لوحه های تاریخی به این سرزمین مسافرت کردم همچنان در این قهوه خانه باقی بود.

دیوار آکروپول

کتیبه ای که روی این لوحه حک

شده تا حد زیادی آسیب دیده است. اما پس از آزمایشی دقیق معلوم شد که قدمت نوشته های آن از اواخر قرن چهارم پیش از میلاد یعنی تقریباً صد و پنجاه سال پس از حمله ایرانیان به یونان، تجاوز نمی کند. چنان که در نوشته های آن زمان معمول بوده است، فاصله ای برای جدا کردن کلمات، بین آنها نگذاشته بودند و از نقطه گذاری هم اثری در میان نبود. تنها در آخر دو جمله به اندازه دو حرف جای خالی دیده می شود. اما چون غالب کتیبه های دیگر اندازه حروف کاملاً مساوی و یکسان بود و همین امر در خواندن متن کتیبه کمک بسیار کرد. چون با در نظر داشتن همین موضوع، جاهائی که نوشته از میان رفته بود امکان داشت تعداد حروف را با دقت



معین کرد. از طرف دیگر حقایقی نیز دربارهٔ این کتیبه بر ماروشن بود، معلوم بود که این کتیبه فرمان یا تصمیمی است که از طرف جمع یا جامعه‌ای صادر شده است. در آخر یکی از سطرهای ابتدای کتیبه دو کلمه «شورای مردم» دیده می‌شد. وضع قرار گرفتن این دو کلمه طوری بود که به حدس می‌شد دریافت که اصل «طبق تصمیم شورای مردم» بوده است. از این رو معلوم شد که اگر کتیبه، فرمان ناحیه کوچکی چون «ترویزن» هم باشد بسیار با ارزش و قابل توجه است. این فرمان چهل سطر بود.

دقت بیشتر نشان داد که فرمان متعلق به «ترویزن» نیست، زیرا پس از «شورای مردم» مطلب گنگ دیگری خوانده شد: «فلان فرزند فلان از مردم» فره آریوس Phrearios. این پیشنهاد را کرد.

«فره آریوس»، که بدین ترتیب مبتکر این فرمان از مردم آنجا معرفی شده بود، یکی از شهرهای نزدیک آتن و از خراجگزاران این شهر بود. ازین رو شکی باقی نماند که فرمان متعلق به آتن است نه «ترویزن». این موضوع را نحوهٔ املائی بعضی از کلمات مسلم ساخت. چون این لغات با املائی که در قرن چهارم پیش از میلاد در آتن معمول بوده است، نوشته شده بود.

سپس کلمات «سالامیس» و «بربرها» در کتیبه خوانده شد، بعد از این کشف نگارنده به یاد آورد که مردم آتن در ۴۸۰ پیش از میلاد، زمانی که شهر را از زنان و کودکان خالی کردند، آنان را به آنسوی دماغه باریک کورینت Corinth، که محل ایمنی بود و دفاع از آن هم مشکل نمی‌نمود، بردند. شبه جزیره «پلوپونزی Peloponnesius» نیز این دماغه را، اگر از طرف دیگر آن هم مورد حمله قرار می‌گرفت محافظت می‌کرد. پس از به دست آوردن این اطلاعات ناقص حدس زده شد که این کتیبه فرمانی است از مردم آتن که در آن از اهالی «ترویزن» سیاسیگری شده و درین شهر نصب گردیده است. در اواخر قرن چهارم ق. م که استقلال یونان به وسیلهٔ «فیلیپ» و سپس اسکندر مقدونی به خطر افتاد، این دوشهر یعنی آتن و ترویزن به یکدیگر نزدیک شدند. حتی نام مبتکر این فرمان (که بعدها پس از اینکه موفق به خواندن کتیبه شدم بدان پی بردم) با وقایع مهم تاریخی گذشته و این دوره ارتباط داشت، این نام «تمیستوکلس Themistocles» بوده که نه تنها از آن سردار بزرگ یونانی در جنگ های ایران و یونان بود بلکه یکی از اخلاف آن سردار نیز که در قرن چهارم در آتن می‌زیسته است به همین نام خوانده می‌شد.

پیش از اینکه به دانشگاه «پنسیلوانیا» برگردم، مجال اینکۀ دقیقاً این لوحه را مطالعه کنم نیافتم. اما آنقدر بر من معلوم شد که گرچه این کتیبه پیش از قرن چهارم ق. م نوشته نشده است، متن آن متعلق به دورهٔ جنگهای ایران و یونان است.

پیش از غروب آفتاب طوری از کتیبه عکس گرفتم که نور بازایه مایل بر آن بتابد تا قسمت اعظم شکافها و بریدگی های آن در سایه قرار گیرد. بعد از کتیبه قالب گیری کردم. بدین معنی که با خمیر کاغذ کودی های کتیبه را پر کردم و هنگامی که خشک

شد، قالب را از روی کتیبه برداشتم. تمام حروفی که قابل خواندن بود، روی کاغذ نوشتم و چندین بار کتیبه را با آب و خاکه ذغال شستم؛ بدین طریق، خاکه ذغال در گودی حروفی که به چشم دیده نمی‌شود قرار می‌گیرد و برای مدت کوتاهی آن را قابل خواندن می‌سازد. آنچه با این وسائل خوانده شد روی کاغذ نوشتم و جای هر چند حرفی که از میان رفته بود خالی گذاشتم. دریافتن مطالب از میان رفته، منوط به درک موضوع قسمت موجود متن بود. بدین حساب اگر يك سوم متن که ۱۹۰۰ حرف می‌شد کشف می‌گردید کتیبه امکان داشت خوانده شود. خوشبختانه اکنون بجز يك قسمت مشکوک که از بیست و يك حرف تجاوز نمی‌کند کتیبه خوانده شده و مفهوم متن آن به دست آمده است.

زمانی که شروع به اینکار کردم ظن به مطلبی بر دم و به تحقیق درباره آن پرداختم؛ در شرح حال «تمیستوکلس» که «پلوتارخ» در قرن دوم میلادی نوشته، آمده است که این سردار به چه ترتیب تخلیه آتن را از زنان و کودکان و اعزام آنها را به «ترویزن» خواستار شد.

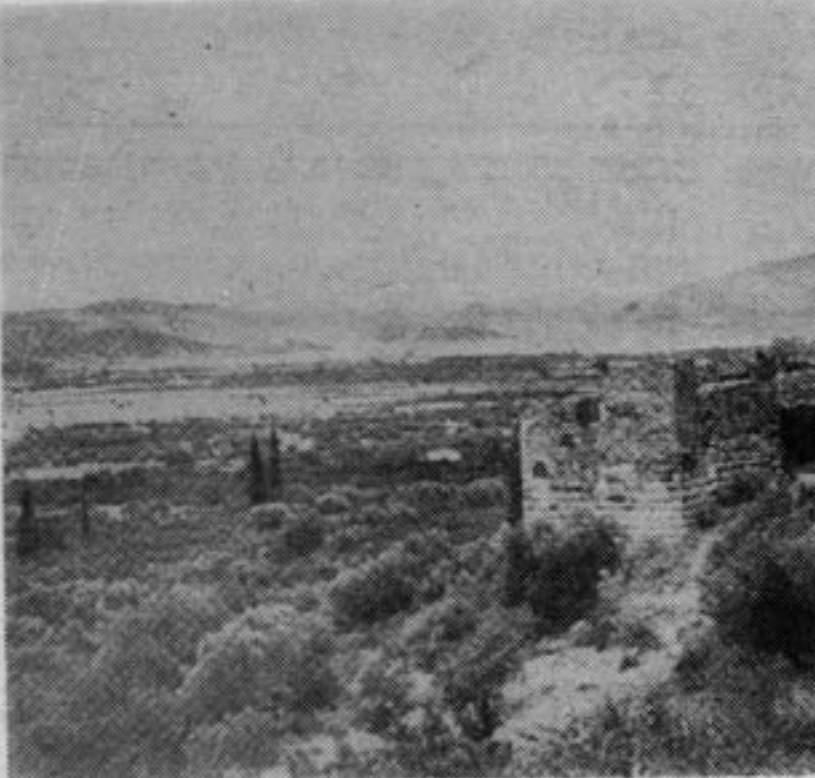
نگارنده کلمات نوشته «پلوتارخ» را در آغاز این کتیبه که تصور می‌رفت از قرن چهارم است، قرار داد. ده کلمه اول به طور کامل با آغاز کتیبه جور آمد؛ «شهر رابه» «آتنا Athena» الهه آتن بسیاریم. هر چه کار خواندن و تکمیل کتیبه پیش می‌رفت بیشتر معلوم می‌گردید که نوشته این لوحه همان فرمائی است که «تمیستوکلس» سردار یونانی هنگام لشکر کشی خشایارشا به یونان صادر کرده است. اکنون اولین سند از جنگهای ایران و یونان به دست ما افتاده است و بی شک در روشن ساختن این دوره از تاریخ کمک بسیاری می‌کند.

در چند هفته‌ای که با همکاری «بنجامین مریت Benjamin D. Meritt» و دیگر متخصصان نوشته های کهن یونانی در مؤسسه تعلیمات عالی پرینستون به کار مشغول بودیم با کوشش بسیار موفق شدیم که کتیبه رابه طور کامل بخوانیم.

چند سطر اول این کتیبه به کلی از میان رفته است و خواندن آن امکان ندارد. حدس زده می‌شود که این چند سطر در ستایش خدایان که در آغاز کتیبهها مرسوم بوده است، باشد. بقیه کتیبه به جز فاصله بیست و يك حرف که در ضمن ترجمه کتیبه به آن بر خواهیم خورد، کامل است و به شرح زیر می‌باشد. قسمتهائی که در اصل کتیبه امکان خواندن آن نبوده است و به حدس دریافتام میان دو هلال () قرار می‌دهیم:

« بنا به تصمیم شورا (مرکب از پانصد عضو که نمایندگان مردم شهرستان « Attica » هستند و باقرعه برای مدت یکسال انتخاب شده‌اند) و مردمی که (اغلب آزاده اند و در مجمع شورا حضور دارند) با پیشنهاد « تمیستوکلس » فرزند « نئوکلس » از مردم « فره آریوس » موافقت می‌شود که شهر به « آتنا » الهه « آتن » و دیگر خدایان سپرده شود

تا آن را در برابر بربرها حفظ کنند ۱ مردم آتن و بیگانگانی که درین شهر زندگی می‌کنند باید زنان و کودکان خود را به ترویزن (در اینجا فاصله بیست و یک حرفی است که از میان رفته است و خوانده نشد) . . . پهلوان و پیشوای آن سر زمین ببرند . پیرمردانی که از (پنجاه سال بیشتر دارند) و اموال قابل حمل، باید به سالامیس (جزیره‌ای



محل شهر کین «ترویزن»

که در نزدیکی ساحل آتیکاست) برده شوند . گنجینه های (از آن خدایان) نزد زنان مقدس در « آکروپولیس Acropolis » باقی می‌ماند و اینان پاسدار و نگهدار اموال خدایان خواهند بود .

همه آتنی های دیگر و بیگانگانی که در سنین سر بازی هستند باید (به کار ناو پانی و پارو زنی) گمارده شوند و در دوست کشتی که حاضر است بنشینند (سبب کشتی دیگر را یونانیان غیر آتنی ناو بان خواهند بود) و برای آزادی خود و دیگر مردم یونان - به کمک اسپارتمی ها و « کرینتی Corinthians » و اژه ای ها و هر کس دیگری که بخواهد در این خطر شرکت کند ، به دفاع از کشور در برابر بربران خواهند پرداخت .

سرداران سپاه (که ده

تن هستند و قبایل ده گانه آنها را برگزیده اند) باید فردا دوست ناخدا برای کشتیها انتخاب کنند تا هر کشتی ناخدائی داشته باشد که فرمانده آن کشتی است . این ناخدایان باید از میان

محل جنگ ماراتون بر تال جامع علوم انسانی



۱- کلمه یونانی «بربر»

در اینجا تنها به معنی مردم غیر یونانی و بیگانه است، و به هیچ روی به منظور تحقیر در این جا نیامده است . [نویسنده مقاله]



لوحة تيمستوکلس

کسانی برگزیده شوند که در آتن صاحب زمین و فرزند مشروع هستند و سن آنان از پنجاه در گذشته است . (برای جلوگیری از تبعیض به وسیله سرداران سپاه) کشتی این ناخدایان با قرعه انتخاب می شود . ازین

گذشته سرداران باید برای هر کشتی بیست تن ناوی که سن آنان از بیست تا سی سال باشد تعیین کنند ، همچنین لازم است درموقع تحویل کشتیها به ناخدایان افسران جزء نیز معین شوند . سرداران باید نام کارکنان هر یک از کشتیها را بر تخته‌ای سفید بنویسند . اسمهای آتنیان را از دفترهایی که به منظور انتخابات هر شهر نگاهداری می‌شود و نام‌های بیگانگان را از صورت‌هایی که نزد افسران است ، باید استنساخ کنند . پس از پایان نوشتن نامها باید همه افراد را به دو دست مساوی تقسیم کنند. پیش روی هر دست باید نام کشتی آن دست و ناخدای آن و افسران جزئی که در آن کشتی خدمت می‌کنند نوشته شود، تا افراد هر دست بدانند که باید سوار کدام کشتی شوند . پس از تعیین دستها ، اعضای شورا و سرداران سپاه باید در پیشگاه « زئوس » و « آتنا » قربانی کنند و سپس به تکمیل نفرات و تجهیز آنها پردازند .

هنگامی که افراد کشتیها تکمیل شد صدکشتی در « آرتمیزیون Artemision » واقع در « اوبوئیا Euboea ۱ » بادشمن روبرو می‌شوند و صدکشتی دیگر در سالامیس و دیگر نقاط آتیکا می‌مانند و به حفاظت ساحل می‌پردازند .

برای اینکه همه آتنیان در برابر بربرها متحد باقی بمانند باید کسانی که برای ده سال تبعیده شده‌اند نیز به سالامیس بروند و تا زمانی که مردم تصمیم دیگری در باره آنها نگرفته‌اند در آن جا باقی بمانند. ازین گذشته تمام آنها که از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند (به استثنای کسانی که محکومیتشان جنبه مذهبی دارد) حقوق اجتماعی خود را باز خواهند یافت .

سپردن شهر به دست « آتنا » در حقیقت بدین معنی بود که سرداران نومید شده‌اند ، دفاع متکی به قوای انسانی را در برابر سپاه عظیم ایرانیان که از هر نظر بر یونانیان برتری داشتند امکان پذیر نمی‌شود دید . (کمترین رقمی که در باره سپاه ایران در نوشته های تاریخی کهن به میان آمده است پانصد هزار می‌باشد) در آن زمان مردم ذکور آتن که سنشان میان هجده و پنجاه سال بود از سی هزار تن در نمی‌گذشت ، مردم آتن نمی‌خواستند تسلیم شوند ، ازین رو تمام آنان که از پنجاه سال کمتر داشتند ، به پاروزنی در کشتیها نشستند ، حتی آنها که سنشان از پنجاه گذشته بود به عنوان نیروی ذخیره در جزیره سالامیس گردآمدند . شهر و زمینهای خود را رها کردند و در دریا به جنگ پرداختند .

درین کتیبه ، موضوعیست که با آنچه دیگر مورخان در سالهای بعد نوشته‌اند تفاوت بسیار دارد ، و آن باقی ماندن کنجینه‌ها و زنان مقدس در نیایشگاه « آکروپولیس » است . در تاریخها آمده است که بر سر دفاع از آتن میان سرداران اختلاف افتاد و قرار بر این شد که به معبد « آپولون » در « دلفی » بروند و از آن خدا راهنمایی بخواهند . در میان

۱ - پرستشگاه آرتمیس Artemis در انتهای شمالی جزیره « اوبوئیا » قرار داشته است .

[نویسنده مقاله]

جوابهایی که همه حکایت از شکست می کرد، یکی این بود که آتنیان به دیوارهایی چوبین متکی خواهند بود. «تمیستوکلس» اصرار داشت که این پاسخ اشاره به دوست ناو جنگی است که به دستور اوساخته اند اما کسان دیگری که محافظه کارتر بودند این گفته را چنین تعبیر کردند که باید سدی چوبین بدور قلعه شهر کشید.

فرمانی که بر این کتیبه حک شده است چنانکه در آن زمان مرسوم بوده تاریخ ندارد اما این تصمیم که نیمی از کشتی های آتن در «آرتمیزیون» به مقابله با ایرانیان بپردازند نشان می دهد که پیش از جنگ دریائی بزرگ نقطه تعیین شده این محل بوده است. برای اینکه به اهمیت این موضوع پی ببریم بهتر است نظری به پیشرفت قوای عظیم «خشايارشا» بیندازیم.

آتنی ها بیست سال پیش ازین واقعه فرستادگانی به شهرهای اطراف دریای اژه و آسیای صغیر کسب داشتند و آن نواحی را به حمایت خود پشت گرم ساختند و سبب شورش و سرکشی در آن شهرها شدند. این حادثه باعث شد که داریوش بزرگ تصمیم به تسخیر جزایر یونان بگیرد و در سال ۴۹۰ پیش از میلاد ناوگانی اکتشافی به «ماراتون» در ساحل شرقی آتیکا، بفرستد. درین محل جنگی روی داد که معروف است و درین جنگ پیادگان آتن نیمی از سپاه ایران را در دریا و نیمی دیگر را در ساحل غافل گیر کردند و بر آن چیره شدند.

پس از داریوش «خشايارشا» نه تنها تاج و تخت پدر را به ارث برد بلکه تصمیم به سرکوبی آتنیان و تسخیر یونان نیز از پدر به او رسید. این پادشاه می دانست که باید سپاهی بسیار گران کرد آورد و از راه دریا به یونان فرستاد. تهیه مقدمات این جنگ که شورش در مصر آنها به تعویق انداخت و از قدرت آن کاست چندین سال طول کشید. درین مدت دو جسر قابقی بر روی تنگه «بفر» که آسیا را از اروپا جدا می سازد، زده شد.

خشايارشا در آوریل ۴۸۰ پیش از میلاد، در پیشاپیش سپاه عظیم ایران از سارد (واقع در آسیای صغیر) به راه افتاد. گذشتن از تنگه «بفر» يك ماه به طول انجامید. در اواخر ژوئیه این سپاه بزرگ به شهر «ترما» Therma، در مقدونیه رسید. در ترماسا کمان چندین شهر یونان از در اطاعت درآمدند و خراجگزارای پادشاه ایران را پذیرفتند.

آتنی ها که با اسپارته ها همدست شده بودند و رهبری سپاه را نیز به آنان سپرده بودند برای اولین بار به اجبار در «ترموپیل» که گذار بسیار تنگی میان چند کوه و دریاست، با ایرانیان روبرو شدند. این گذار، راهی است که به خاک اصلی یونان و مرکز آن کشور می انجامد. از سوی دیگر کشتی های سپاه ایران نیز در مدخل تنگه ای که میان جزیره «دراز» ابوتیا، و ساحل یونان قرار دارد با نیروی دریائی یونان که در «آرتمیزیون» گردآمده بود مواجه شدند.

در ترموپیل گرچه سپاهیان یونان به سرداری «لئونیداس» Leonidas، پادشاه

اسپارت سخت پایداری کردند ، ولی عاقبت شکست خوردند و پراکنده شدند . از سوی دیگر نیروی دریائی یونان پس از شنیدن خبر شکست ترموپیل به « سالامیس » عقب نشستند .

مورخان همه بر این عقیده بودند که در همین زمان بوده است که تصمیم به تخلیه آتن گرفته شده است . چون درین زمان قوای یونان در خشکی و دریا پشت سر هم شکست می یافت . نومیدی بر همه چیره شده بود . اما با کشف کتیبه ترویزن ، معلوم شده است که این تصور حقیقت ندارد . چون این فرمان پیش از نبرد « آرتمیزیون » و جنگ ترموپیل صادر شده است .

ازین رو معلوم می شود که نقشه جنگ دریائی و تخلیه آتن از آغاز طرح شده بود . این مطلب که آتنی ها تنها نیمی از کشتی های خود را به آرتمیزیون فرستاده بودند ، نشان می دهد که اینان نیز مانند اسپارتنی ها که حاضر نبودند همه سپاه خود را در ترموپیل به خطر اندازند ، هر دو از یک نقشه واحد پیروی می کردند . سالامیس از ابتدا در نقشه دفاعی « تمیستوکلس » به عنوان نقطه اصلی وقوع جنگ تعیین شده بود . ازین رو می توان حدس زد که شکست سپاه ایران درین محل اتفاقی نبوده است .

پیروزی « ماراثون » ، چشمان « تمیستوکلس » را خیره نساخته بود تا از دور . اندیشی باز ماند ، او می دانست که ایرانیان دوباره به یونان لشکر خواهند کشید و چون اطمینان داشت که آتن به تنهایی به هیچ روی نمی تواند در برابر سپاه عظیم ایران مقاومت کند ، پیش از وقوع حادثه کوشش در متحد ساختن شهر های یونان به کار برد و هنگام جنگ توانست تمام مردان کشور خود را ، حتی آنان که نمی توانستند سلاح بر گیرند ، در عرشه کشتی هایی که تهیه دیده بود جای دهد .

این نقشه ، گرچه بسیاری از جزئیات آن که مورخان نوشته اند زائد به نظر می رسد ، هر چه بود کار خود را کرد و یونانیان در جنگ چیره شدند . به سبب این جنگ پس از پایان نبرد نه تنها یونان صاحب نیروی دریائی قوی شد بلکه سپاهیان این کشور که از عامه مردم بودند و تقریباً در دوران جنگ در یک سطح قرار گرفته بودند ، صاحب حقوق مساوی شدند . اعتقاد گروهی بر این است که نبرد سالامیس پایه دمکراسی آتن را ریخت .

بسیاری از مطالب این کتیبه خاصه تخلیه آتن به صورتی که در این لوحه آمده در تواریخ ذکر نشده است . شاید این بدان سبب است که « هرودت » مورخ بزرگ و باستانی یونان زمانی می زیسته است که میان آتن و اسپارت دشمنی های بسیار بوده و مردم می کوشیده اند نخيله شهر آتن را به علت شکست اسپارتنی ها جلو دهند . از فرمان « تمیستوکلس » نیز تنها چند جمله حماسی و میهنی که در آغاز آن بوده است سینه به سینه برای مورخان بعد باقی مانده و بقیه از یاد رفته بود ، بطوری که در تاریخ ها هیچ اشاره ای به بسیج عمومی و گردآوری سپاه در « آرتمیزیون » نشده است . نکته ای در اینجا قابل تأمل است ، و آن اینکه چرا تنها متنی که از این ف

بدست ما رسیده است از قرن چهارم پیش از میلاد می‌باشد و در ترویزن پیدا شده است ؟

عده‌ای از صاحب‌نظران براین عقیده‌اند که این متن رونویس فرمان اصلی نیست که در ۴۸۰ پیش از میلاد صادر شده است ، بلکه متن متکی به عواطف میهن پرستانه است که در سالهای بعد تهیه شده است . به عبارت دیگر متنی جعلی از فرمان « تمیستوکلس » می‌باشد .

اما نویسنده و گروهی از باستان‌شناسان براین عقیده‌اند که این راز در شخصیت « تمیستوکلس » و علاقه اخلاقی بدو نهفته است . بی‌شک این سردار که تا ده سال بعد از « نبرد سالامیس » رهبری آتنیان را به عهده داشته است و در جنگهای میان آتن و اسپارت سردار سپاه آتن بوده است آن نفوذ را پیدا کرده که این فرمان را جاویدان سازد و فرزندان در انتشار و ابدی ساختن فرمان نیای خود بکوشند . از نسخه‌های بسیار آن تنها نسخه‌ای بدست ما رسیده است .

بد نیست در اینجا بیاورم که عاقبت مردم آتن « تمیستوکلس » را متهم به سازش با ایرانیان ساختند و او را تبعید کردند ، و او نیز به دربار ایران پناهنده شد و زبان ایرانیان آموخت و چند سال بعد حاکم شهرهای یونانی آسیای صغیر از طرف پادشاه ایران گردید و در همانجا بدرود زندگی گفت .

پس از مرگ « تمیستوکلس » فرزندان به یونان بازگشتند و کوشیدند که پادش را زنده نگاه دارند . این خاندان در قرن چهارم اعتبار و شهرت بسیار یافت .

از همین روی فرمان « تمیستوکلس » چون سند استقلال آتن با در نظر گرفتن اهمیت این خاندان نشر یافته است و نسخه‌های متعددی از آن تهیه شده است .

پس از شکست یونان در « خائروئنا Chaeoena » به سال ۳۳۸ پیش از میلاد ، هواداران استقلال آتن به « ترویزن » تبعید شدند . آتنیان در این زمان برای تهبیح مردم (چنانکه می‌دانیم اهالی ترویزن در زمان تمیستوکلس نیز از هواداران و یاران آتن بودند) ازین فرمان سود می‌جستند و به همین سبب این نسخه درین شهر بدست آمده است . اگر کاوشهای بیشتری درین شهر به عمل آید بسیاری چیزهای دیگر نیز بر ما روشن خواهد شد .

ترجمه جمال‌الدین فروهری